

# ایران باستان، از ۵۵۰ پیش

# از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد

زبان رسمی اداری بوده، همچنین به منابع مکتوب گوناگون مربوط به عصر هخامنشی اشاره شده است. این منابع به زبان‌های پارسی باستان، ایلامی، بابلی، آرامی، لیکایی، یونانی است. نویسنده، کتاب تورات را نیز از جمله منابع تاریخ هخامنشی ذکر کرده است. هرچند به وجود منابع آرامی نیز اشاره شده، اما توضیحی درباره این منابع در کتاب داده نشده است، در حالی که داندامایف به کشف ۱۹۹ لوحه آرامی در ویرانه‌های تخت جمشید و پاپیروس‌ها، پوست نوشته‌ها، کتیبه‌ها، مسکوکات، وزنه‌ها، مهرها و سفال‌های مکتوب به زبان آرامی در نواحی مختلف امپراتوری هخامنشی و پاپیروس‌های حاوی قطعاتی از ترجمه آرامی کتیبه بیستون داریوش یکم که در جزیره الفانتین مصر یافت شده‌اند، اشاره کرده است.

در کتاب ویسهوفر اگرچه به کاربرد زبان مصری اشاره شده، اما از منابع مکتوب مصری ذکری نشده است. جهانگیر قائم مقامی در مقاله خود پیرامون منابع مصری عصر هخامنشی در شرح کاملی درباره کتیبه‌های مصری داریوش یکم در کنار ترعه نیل شامل دو سنگ نوشته واقع در «تل المسخوته» و سنگ نوشته‌های واقع در «سراپتوم»، «قبره» یا «شالوف» و «سوژ»، ذکر شده است. بک نیز به نوشته‌های مصری کمبوجیه، داریوش یکم، خشایارشا، یکم، اردشیر یکم و داریوش سوم ارایه نموده است.

در کتاب ویسهوفر اشاراتی به کتیبه‌های زبان پارسی باستان نیز شده است.

در مورد منابع ایلامی، هم به کتیبه‌ها و هم به الواح سفالی گنجینه و باروی تخت جمشید و نیز کاربرد اقتصادی آنها مختصراً اشاره شده اما در مورد الواح ایلامی و مندرجات آنها توضیح بیشتری داده شده است. در مورد متون اوستا، ویسهوفر مشخص نکرده است که پیدایش کدام یک از اجزاء اوستا ممکن است مربوط به این دوران باشد. در حالی که کریستن سن معتقد است که بخش‌های مشخصی از اوستا در دوران هخامنشی پدید آمده‌اند<sup>۱</sup> به این ترتیب که یشت‌های ۱۰، ۱۳ و ۱۹ یا مربوط به پیش از عهد هخامنشی و یا اوایل عهد هخامنشی است و یشت ۵ مربوط به بعد از ۴۰۴ قبل از میلاد و یشت‌های ۸، ۱۴، ۱۷ و بندهای ۶ تا ۳۷ از یشت ۱۵ و یسنای ۹ تا ۱۱ و یسنای ۵۷ مربوط به دوره هخامنشی و احتمالاً قرن چهارم قبل از میلاد است.

ویسهوفر سپس به شرح و توصیف کتیبه بیستون از داریوش یکم پرداخته و مقایسه‌هایی میان این کتیبه و کارنامه اوگوستوس امپراتور روم صورت داده و تفاوت‌های این دو نوشتار، را ذکر کرده است.<sup>۲</sup> مؤلف در شرح بخشی از کتیبه بیستون، استدلالی را درباره این که



● دکتر نادر میرسعیدی

چنان که از عنوان کتاب بر می‌آید، کتاب حاوی مطالبی در زمینه تاریخ ایران باستان از آغاز دوران هخامنشی تا پایان دوران ساسانی است. که از پیشگفتار، مقدمه، چهار بخش، نتیجه‌گیری و پی‌نوشت تشکیل شده است.

بخش یکم با عنوان «ایران از کورش تا اسکندر بزرگ: فرمانروایی هخامنشیان» شامل فصل‌های اول تا چهارم است.

در فصل یکم «گواهی‌ها»، به زبان‌های متعدد مورد تکلم در قلمرو پهنای هخامنشی و این که زبان آرامی،

- ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)
- تألیف: یوزف ویسهوفر
- ترجمه: مرتضی ناقب‌فر
- ناشر: ققنوس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.



◀ **تحسین مؤلف از داریوش یکم در تحلیلی که از کتیبه‌های وی ارائه داده، موجب طرح نظراتی غیراصولی از جانب مؤلف شده است.**

◀ **در کتاب ویسهوفر اگرچه به کاربرد زبان مصری اشاره شده، اما منابع مکتوب مصری مورد اشاره قرار نگرفته است.**

رزمجویی برجسته دانسته که توانست با پورش‌های خارجی بیکار کند و سرزمین ایران را حفظ کند.<sup>۲۸</sup> در حالی که در واقع داریوش خود مهاجمی بود که به تهاجمات وسیع به اروپا دست زد و تراکیه، مقدونیه و جزایر دریای اژه را به تصرف درآورد و سکائیة اروپا و قسمتی از یونان قاره‌ای را نیز موقتاً تحت اشغال درآورد و قسمتی از هند غربی را نیز تحت تصرف گرفت و قلمرو داریوش که تحت نام «ایران» خوانده شده، عمدتاً عبارت از سرزمین‌های دیگر بود که پیش از داریوش و در زمان داریوش به زور اسلحه تحت سیطرهٔ هخامنشیان درآمد. این سرزمین‌ها عبارت بودند از آسیای صغیر، بین النهرین، سواحلی شرق مدیترانه، مصر، لیبی و بخش‌هایی از اروپا، هند و آسیای میانه. آنچه که تحت عنوان «بیکار داریوش با پورش‌های خارجی و حفظ سرزمین ایران توسط داریوش» مطرح شده، در واقع حفظ اقتدار داریوش بر سرزمین‌های تحت تصرف از طریق بهره‌کشی از آنها و سرکوب قیام‌های آنها و نیز سرکوب شورش‌های داخلی خود ایرانیان در ابتدای سلطنت وی بوده است.

سپس مؤلف به تقسیم بندی طبقات اجتماعی ایران هخامنشی به نقل از ارسطو و هرودوت پرداخته و طبقه‌بندی هرودوت را با طبقه‌بندی اوستا تطبیق نموده است.<sup>۲۹</sup> آنگاه نقل قول‌هایی را از منابع یونانی دربارهٔ روابط شاهان هخامنشی با اتباع خود آورده و علل واقعی مسافرت‌های شاهان در میان اتباع خود را تحلیل کرده است.<sup>۳۰</sup>

خط پارسی باستان اول بار برای نگارش این کتیبه ابداع شده است، مطرح کرده و شاهد مثالی را از مطالب کتیبه در اثبات این نظر آورده است:

«به خواست اهورامزدا این نیشته من [است] که من کردم، به علاوه به (زبان) آریایی بود... پیش من هم نوشته هم خوانده شد. پس از آن من این نیشته را همه جا در میان کشورها فرستادم. مردم همکاری کردند.»<sup>۳۱</sup>

فرای نیز به این نکته که زبان آریایی قبلاً نبود، اشاره کرده است.<sup>۳۲</sup>

آنچه ویسهوفر در شرح کتیبه بیستون به رشته تحریر درآورده، در مقایسه با کشفیات فراوانی که در مورد این کتیبه با اهمیت صورت گرفته، اندک است، در حالی که داندمایف با استناد به تحقیقات متعدد محققین معاصر، شرح مبسوطی را دربارهٔ کتیبه بیستون ذکر کرده و نقوش مربوط به کتیبه، سخنان سیاحان اروپایی قرون هفدهم تا نوزدهم دربارهٔ نقوش، سخنان مورخین یونان قدیم در مورد کتیبه، مراحل رمزگشایی کتیبه، برخی مندرجات کتیبه، سبک آن و ترجمه‌های آن را تشریح کرده است.<sup>۳۳</sup> پیرنیا بندهای دهم تا پانزدهم و نیز بند هجدهم کتیبه را ذکر کرده است.<sup>۳۴</sup> این بندها دربارهٔ حکومت گئوماتا و برانداختن او توسط داریوش یکم و همدستانش و شورش‌های مردم بر ضد داریوش و سرکوب شورش‌ها است. متن کامل کتیبه را بنگل نقل کرده است.

در ادامه، ویسهوفر به توصیف تخت جمشید و معماری و حجاری‌های آن پرداخته و نکاتی را در تحلیل مفاهیم نقش برجسته‌ها ذکر کرده است.<sup>۳۵</sup> سپس مطالبی را در زمینه معماری پاسارگاد و بناهای هخامنشی در شوش و مقابر شاهان هخامنشی در نقش رستم<sup>۳۶</sup> و نمونه‌های هنر عهد هخامنشی شامل مجسمه‌ها، سکه‌ها و اشیاء مختلف ذکر کرده و کاربرد و نقش سکه‌های هخامنشی را شرح داده است.<sup>۳۷</sup>

در فصل دوم «شاه و رعایای او»، مؤلف با نقل سخن داریوش یکم، به کوشش شاهان هخامنشی در مشروعیت بخشی به سلطنت خویش و قائل شدن حق الهی سلطنت برای خود با این عنوان که اهورامزدا و ایزدان دیگر، پادشاهی را به آنان عطا کرده‌اند، اشاره کرده است.<sup>۳۸</sup> او همچنین دیدگاه برخی از دانشمندانی مبنی بر این که شاهان اولیهٔ هخامنشی را فردی نخست در میان افراد برابر تصور کرده‌اند، رد کرده، اما در این ارتباط مدرک متقنی ارائه نداده است.

تحسین مؤلف از داریوش یکم در تحلیلی که از کتیبه‌های وی ارائه داده، موجب طرح نظراتی غیراصولی از جانب مؤلف شده است، چنانکه داریوش را

دیدگاه مؤلف دربارهٔ شخصیت کوروش، جانبدارانه و مبتنی بر قضاوت‌هایی است که در گذشته و حال در مورد وی صورت گرفته است، چنان که با استناد به مندرجات کوروش نامهٔ کزنفون، سخنان اشعیاء در تورات و منشور کوروش در بابل<sup>۳۹</sup> تصویری از کوروش به دست داده است، بدون توجه به آن که مطالب منابع مذکور توسط چه کسانی و تحت چه شرایطی نقل گردیده‌اند، به خصوص در مورد سخنان اشعیاء و منشور کوروش که در زمان حاکمیت کوروش بر یهودیان و بابل تدوین گردیده‌اند. همچنین مؤلف در مقابل ذکر صفات منفی کوروش توسط هرودوت، به موضع‌گیری پرداخته و از کوروش دفاع کرده است.<sup>۴۰</sup> آنگاه به ذکر فتوحات کوروش در ماد، لیدی و شهرهای یونانی آسیای صغیر پرداخته است.<sup>۴۱</sup> مؤلف به مقایسه میان کوروش و خشیارشا به عنوان نمادهای شاهان خوب و بد پرداخته و در خلال این مقایسه، نکاتی را پیرامون شخصیت منفی خشیارشا و اعمال ناشایست او ذکر کرده است.<sup>۴۲</sup>

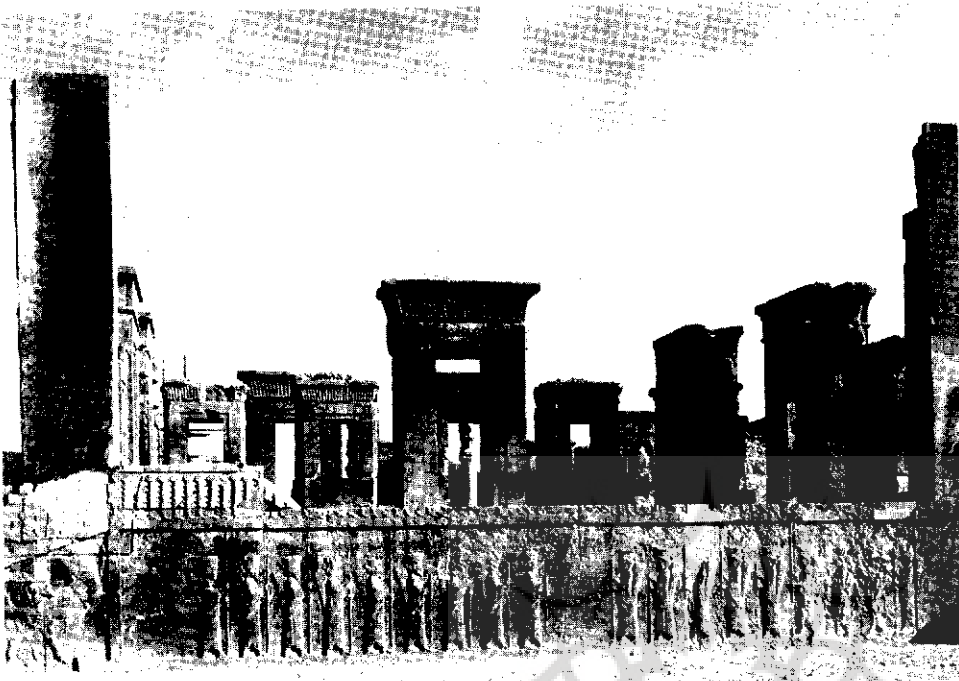
در فصل سوم «خشاسا، دهیایا و باجی: پادشاهی، مردم و خراج‌های پرداختی به شاه»، امپراتوری هخامنشی و امپراتوری رم در زمینهٔ رویه و سیاست هر یک نسبت به ملت‌های تابع مورد مقایسه قرار گرفته‌اند و تفاوت‌های دو امپراتوری در این زمینه مشخص گردیده است.<sup>۴۳</sup>

آنگاه مؤلف به ذکر اصطلاحات مربوط به تقسیمات کشوری و مناسب نظامی و غیر نظامی عصر هخامنشی از منابع گوناگون پرداخته و کوشیده است در حد امکان تصویر مشخصی از مرزهای تقسیمات کشوری آن عصر که صورت مبهمی دارد، به دست دهد.<sup>۴۴</sup>

در مورد تشکیلات اداری عهد هخامنشی، پیرنیا جزئیات کامل تری را ارائه داده است.<sup>۴۵</sup> در کتیبهٔ نقش رستم داریوش یکم فهرستی از ایالات تحت حاکمیت خود را ذکر کرده است<sup>۴۶</sup> که مجموعاً بیست و سه ایالت می‌گردید.

سپس در کتاب ویسهوفر انواع خراج‌های تحمیلی هخامنشیان بر ایرانیان و اقوام تابع، بعضی معافیت‌ها از خراج، نحوهٔ اخذ و گردآوری خراج‌ها، موجودی خزانه‌های هخامنشی، و تثبیت میزان خراج‌ها توسط داریوش یکم تشریح شده است.<sup>۴۷</sup>

در مورد وضعیت خراج‌ها و نواحی مختلف خراج دهنده نیز پیرنیا اطلاعات کامل تر و دقیق تری داده است.<sup>۴۸</sup> در مورد چگونگی اخذ مالیات‌ها موارد دیگری توسط داندمایف نقل گردیده که در کتاب ویسهوفر اشاره‌ای به آنها نشده است. این موارد مربوط است به املاکی که از سوی مالکان آنها به تجارتخانهٔ «موراشو» داده می‌شد و تجارتخانه مالیات آنها را می‌پرداخت و در



مقابل سندی از بدهکار دریافت می‌کرد و مالیات مربوط به مالکی که در بانک تجارتخانه موراو حساب جاری داشت و بانک مالیات او را می‌پرداخت و مالیات زمین‌هایی که به عنوان گرو نزد تجارت خانه گذاشته می‌شد و تجارتخانه مالیات آنها را می‌پرداخت و بدهکاران بعداً مبلغ مذکور را به تجارتخانه می‌پرداختند و مالیات‌هایی دیگر در این ارتباط.<sup>۴۳</sup>

در فصل چهارم «زندگی روزمره در پارس زمان هخامنشیان» مؤلف به بررسی الواح ایلامی یافت شده در گنجینه و باروی تخت جمشید پرداخته و از خلال آنها اطلاعات ارزشمندی در زمینه امور اقتصادی و وضعیت طبقاتی عهد هخامنشی به دست داده و با ذکر نمونه‌هایی از متن الواح، نشان داده است که آنها رسیدهای حقوق و مقرری به صورت جنسی بوده است که هم به افراد عالی رتبه و اشراف و هم به کارمندان و کارگران یا کورتش‌ها پرداخت می‌شده است.<sup>۴۴</sup> از این متون همچنین اطلاعات باارزشی در مورد نظام اداری و سلسله مراتب کارکنان مختلف می‌توان به دست آورد. بخشی از این الواح، رسید جیره مسافرتی مأموران و پیک‌ها بوده است.<sup>۴۵</sup> در بعضی از این الواح به نقش و اهمیت و حقوق زنان عادی و غیر درباری که به کار اشتغال داشتند و در مقابل کار خود حقوق دریافت می‌کردند اشاره شده و نشان می‌دهد که برخی از این زنان مسئولیت کارگاه‌های سلطنتی و کارگران مرد و زن را در دست داشته‌اند و حقوق زیادی می‌گرفتند و نیز زنان دیگری بودند که کارگر بودند، و زنان شاغلی که اگر فرزندی به دنیا می‌آوردند، جیره خاصی دریافت می‌کردند.<sup>۴۶</sup>

داندامایف در اثر خود همچنین اطلاعات دیگری را در مورد کورتش‌ها و حقوق آنها، از طریق الواح گنجینه تخت جمشید ارائه داده که در کتاب ویسهوفر دیده نمی‌شود.

نویسنده با نقل سخنانی از نویسندگان یونانی، به بررسی علل انحطاط شاهان هخامنشی پرداخته و در این مورد علی‌چون تربیت شاهزادگان توسط زنان و خواجه‌باشی‌ها، نفوذ منفی زنان حرمسرا، ترک سواری و شکار از سوی شاهان، پیمان شکنی آن‌ها، بی‌دینی و بیادگری آنان را از قول یونانیان برشمرده است.<sup>۴۷</sup>

به ازدواج با محارم در میان شاهان اشاراتی شده و مؤلف در توجیه این عمل در مورد ازدواج کمبوجیه یا دو خواهرش و ازدواج اردشیر دوم با دخترش، نظراتی را ابراز کرده است. همچنین به چند همسری شاهان هخامنشی اشاره شده است.<sup>۴۸</sup>

آنگاه مؤلف به مبحث مبهم و حساس مذهب هخامنشیان پرداخته کوشیده است چگونگی این

مذهب و این که آیا مذهب هخامنشیان همان آیین زرتشتی شناخته شده یا نوعی زرتشتی کیشی است را، تبیین کند.

ولی پیداست که توفیقی در این راه به دست نیاورده است. وی تنها به نقل برخی نظرات در مورد ارتباط هخامنشیان با آیین زرتشتی اکتفا کرده و به ذکر مطالب رایج در مورد پیدایش و رواج زرتشتی‌گری از ابتدا تا زمان ساسانی و تقسیمات اوستای موجود و برخی اصول فلسفی و اساطیر اوستایی پرداخته که هیچ ربطی به هخامنشیان ندارد و سرانجام مبحث را بدون نتیجه و بی‌پاسخ به انتها رسانده است.

در مورد تبیین مذهب در دوران هخامنشی، پیرنیا اطلاعات به مراتب گسترده‌تر و دقیق‌تری ارائه داده است،<sup>۴۹</sup> چنان که به نوشته‌های مورخین یونانی در این زمینه به نحو مبسوط اشاره کرده و اطلاعاتی را که آنها در مورد اصول زرتشتی کیشی هخامنشیان ذکر کرده‌اند، در سیزده مورد طبقه‌بندی کرده و سپس به تجزیه و تحلیل این دیدگاه‌ها پرداخته است.

بخش دوم که «دوره فترت» عنوان گرفته، شامل فصل پنجم «سلطه مقدونیان بر ایران» است.

در این فصل مطالبی در مورد سلطه اسکندر مقدونی بر ایران و کوشش او در مشروع نشان دادن حاکمیت خود بر ایران با تقلید از اصول شاهان هخامنشی و سپس مطالبی درباره جنگ قدرت سرداران اسکندر پس از مرگ او ذکر شده است.<sup>۵۰</sup>

در مورد حکومت سلوکیان، مطالبی در زمینه رخدادهای سیاسی آن عصر و نکاتی درباره چگونگی

حضور سلوکیان در ایالات ایرانی و نیز ایالات واقع در شرق و آسیای میانه، ذکر شده است.<sup>۵۱</sup>

در مورد پارس تحت حاکمیت سلوکیان، حاکمان محلی تابع سلوکیان در آنجا و شورش مولون در این ایالت، اشاراتی شده است.<sup>۵۲</sup>

در این کتاب به اصول فرهنگی و تمدنی سلوکیان و نظام اداری آنان هیچ اشاره‌ای نشده است، در حالی که ریچارد فرای در مورد اصول فرهنگی و تمدنی و نظام اداری سلوکیان اطلاعات مفصلی ارائه نموده است.<sup>۵۳</sup> در این زمینه به مطالب مبسوط دیاکونف<sup>۵۴</sup> و روستوفتسک<sup>۵۵</sup> نیز می‌توان رجوع کرد.

بخش سوم ذیل عنوان «ایران در زمان پادشاهی پارتیان: از اشک یکم تا اردوان چهارم»، شامل فصل‌های ششم تا هشتم است.

فصل ششم «گواهیها»، حاوی شرح زبان‌های مختلف مورد تکلم در قلمرو اشکانیان شامل «پارتی»، «پارسی میانه»، «سغدی»، «خوارزمی»، «بلخی»، «ارمنی»، «یابلی»، «آرامی» و زبان‌های قفقازی، منابع مکتوب به این زبان‌ها و خطوط خاص مربوط به هر زبان است.<sup>۵۶</sup>

انواع منابع مکتوب به خط و زبان پارتی اعم از نوشته‌های روی سفال‌ها، یک پوست نوشته و سنگ‌نوشته‌ها نیز در این فصل به طور کامل شرح داده شده است،<sup>۵۷</sup> ولی به نوشته‌های پارتی روی سکه‌ها اشاره نشده است.

در این فصل همچنین نوشته‌های یونانی روی سکه‌ها، پوست نوشته‌های یونانی و کتیبه‌های یونانی

◀ **ویسپوفر در زمینه مذهب در عصر اشکانی به مدارای اشکانیان با پیروان مذاهب مختلف اشاره کرده و سپس عللی را که نشان می‌دهد اشکانیان احتمالاً به نحوی زرتشتی بوده‌اند، بر شمرده است.**

مشخص سازد و در این ارتباط نکاتی را درباره امیران و شاهان کوچک محلی تابع و قلمروهای آنها و مناطقی که به دست ساتراپ‌ها یا والیان اداره می‌شدند و مقامات رسمی مهم عصر اشکانی، ذکر کرده است،<sup>۵۸</sup> اما در این مورد مطالبش مختصر است و نکته جدیدی را روشن نکرده، مؤلف سپس اشاره مختصری به کشاورزی دوران اشکانی کرده آنگاه به بازرگانی اشکانیان پرداخته است.<sup>۵۹</sup> ویسپوفر در زمینه مذهب در عصر اشکانی به مدارای اشکانیان با پیروان مذاهب مختلف اشاره کرده و سپس عللی را که نشان می‌دهد اشکانیان احتمالاً به نحوی زرتشتی بوده‌اند، بر شمرده است.<sup>۶۰</sup>

در مورد مذهب اشکانیان، دیاکونف برخلاف ویسپوفر، معتقد است که شاهان اشکانی، زرتشتی واقعی نبودند و نکاتی را در رد زرتشتی‌گی آنان ذکر کرده است.<sup>۶۱</sup>

بخش چهارم با عنوان «ایران از اردشیر یکم تا یزدگرد سوم: فرمانروایی ساسانیان»، شامل فصل‌های نهم تا یازدهم است.

در فصل نهم «گواهیها»، ابتدا منابع تاریخ ساسانی مورد بحث قرار گرفته است و در این زمینه، نخست کتیبه‌های باقی مانده از شاهان و بزرگان عصر ساسانی بررسی شده‌اند.<sup>۶۲</sup>

اما جز به معدودی از آنها اشاره نشده است. در این فصل علل اهمیت کتیبه‌های شاهان، شامل معرفی مقامات عالی رتبه دربار، داعیه نقش میانجی شاه میان خداوند و اتباع و نقش کارنامه‌ای کتیبه‌ها ذکر شده است، سپس منابع یونانی، لاتین، بیزانسی، ارمنی، آثار نویسندگان مسیحی و نوشته‌های مانوی، مورد اشاره و بررسی قرار گرفته‌اند،<sup>۶۳</sup> اما تنها به تعداد کمی از این آثار اشاره شده است، آنگاه از منابع پهلوی و تقسیمات آنها به لحاظ موضوعی ذکر مختصر به میان آمده، ولی جز یادگار زریران و خداینامک که کتابی مفقود است، به نام هیچ یک اشاره‌ای نشده است، درباره خداینامک، در این اثر زمان تدوین و مندرجات آن، بررسی مختصری صورت گرفته و سپس به منابع عربی تاریخ ساسانی در دوره اسلامی که ترجمه‌های منابع پهلوی با تغییراتی در آن منابع می‌باشند، اشاره شده است.<sup>۶۴</sup>

در ادامه ویسپوفر، معدودی از نقش برجسته‌های ساسانی توصیف کرده و سپس به توصیف معماری و طرح برخی شهرهای بنا شده در عصر ساسانی که بقایای آنها کشف شده است شامل «اردشیر خوره» و «بیشاپور» پرداخته شده و نیز مطالبی درباره شهرهایی دیگر شامل «جندی شاپور»، «تیسفون» و «وهاردشیر» نوشته شده است.<sup>۶۵</sup>

در فصل دهم «شاه و رعایای او»، ابتدا کوشش

آنچه که در کتاب ویسپوفر تحت عنوان «پیکار داریوش با یورش‌های خارجی و حفظ سرزمین ایران توسط داریوش» مطرح شده، در واقع حفظ اقتدار داریوش بر سرزمین‌های تحت تصرف از طریق بهره‌کشی از آنها و سرکوب قیام‌های آنها و نیز سرکوب شورش‌های داخلی خود ایرانیان در ابتدای سلطنت وی بوده است.

اما در زمینه امور مزبور، دیاکونف توضیحات بیشتری در مورد دو شورای اشراف و خاندان‌های بزرگ عصو آنها داده و مطالب مفصلی درباره انواع بردگان، رفتاری که با بردگان می‌شد، حقوقی که بردگان از آن برخوردار بودند، جماعات روستایی و حقوق آنها و اجبارهای آنها در پرداخت جریمه و مالیات و انجام بیگاری، ذکر کرده است.<sup>۶۶</sup> پیرنیا نیز به نقل از مورخین یونانی، در مورد اشراف و امکانات و اختیارات و قدرت نظامی آنها مطالبی را مطرح کرده است،<sup>۶۷</sup> اما در مورد طبقات اجتماعی دیگر، هیچ اطلاعی نداده است.

آنگاه در کتاب ویسپوفر وضعیت یونانیان تحت حاکمیت اشکانیان و شهرهای یونانی‌نشین شوش و سلوکیه و خودمختاری داخلی سلوکیه و جنگ قدرت احزاب در این شهر، تشریح شده و در مقایسه با ویسپوفر، باید متذکر شد که پیگولوسکایا مطالب مشروحی را در مورد شهرهای یونانی‌نشین دوران اشکانی، ایرانیان و سوریاویان ساکن در آنها، خودمختاری شهرها، نظام اداری شهرها، مجامع آنها، مبارزات طبقاتی در شهرها و وضعیت داخلی شهرها، ذکر کرده است.<sup>۶۸</sup> برای اطلاع از وضعیت شهر یونانی‌نشین شوش، همچنین می‌توان به کتاب‌های کومون و ولز رجوع کرد.<sup>۶۹</sup>

موضوع فصل هشتم «ساتراپ‌ها، بازرگانان، سربازان و روحانیان: اداره، اقتصاد، ارتش و کیش‌ها در ایران اشکانی» است. در این فصل مؤلف ابتدا با تکیه بر منابع رومی کوشیده است نظام اداری عصر اشکانی را که همچنان تا حد زیادی مبهم و مورد بحث است،

اشکانیان،<sup>۷۰</sup> مورد بحث قرار گرفته‌اند، به اسناد میخی اکدی مربوط به این دوره و اطلاعات موجود در آنها پیرامون جنگ‌های پارتیان با سلوکیان و وقایع سیاسی دیگر در قرن دوم قبل از میلاد اشاراتی شده و منابع یونانی و رومی و نیز منابع چینی حاوی اطلاعاتی درباره تاریخ اشکانی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.<sup>۷۱</sup>

آنگاه مؤلف مطالبی را درباره هنر عهد اشکانی ذکر کرده است. چنان که به توصیف بقایای معماری کشف شده شهر «نسا» پایتخت کهن اشکانیان در ترکمنستان و اشیاء یافت شده در آنجا پرداخته و به بقایای شهرها و دژهای دیگر پارتی در ترکمنستان و بقایای معماری پارتی در نزدیکی دامغان اشاراتی نموده، سپس به توصیف چگونگی سبک هنری حجاری‌های پارتی پرداخته است.<sup>۷۲</sup>

در فصل هفتم «شاه و رعایای او»، مؤلف ابتدا به نقل اقوال مختلف از زبان مورخان یونانی درباره چگونگی به روی کار آمدن اشکانیان پرداخته و سپس کوشش اشکانیان را در انتساب خود به هخامنشیان برای مشروعیت بخشیدن به خویش، تشریح کرده است.<sup>۷۳</sup> آنگاه همچنین به علل گرایش نخستین شاهان اشکانی به فرهنگ یونانی و تمایل اشکانیان متأخر به سنت‌های ایرانی اشاره کرده است.<sup>۷۴</sup>

در ادامه مؤلف به ذکر مطالبی در زمینه رواج داستان‌های کیانیان در عهد اشکانی و شرحی درباره «گوسان»‌ها یا «خنیگران» عهد اشکانی و نکاتی درباره قصه‌های پهلوانی و عشقی دوران اشکانی و داستان ویس و رامین که احتمالاً مربوط به آن دوران می‌باشد، پرداخته است.<sup>۷۵</sup>

لازم به تذکر است که شرحی مبسوط درباره گوسان‌ها را می‌توان در مقاله بویس یافت.<sup>۷۶</sup> ویسپوفر همچنین مطالبی را در مورد چگونگی استقرار قبیله پارتی که پارت‌ها جزء آنان بودند، در مناطق اولیه اسکان خود و ساختن شهرهایی توسط پارت‌ها در این مناطق و آمیختن قوم پارتی با جمعیت بومی، ذکر کرده است.<sup>۷۷</sup>

دیاکونف در مورد تهاجمات پارتی‌ها به قلمرو سلوکی و استقرار اولیه آنان، پاره‌ای جزئیات دیگر را ذکر کرده که در کتاب ویسپوفر دیده نمی‌شود. به علاوه ویسپوفر با استناد به منابع یونانی و رومی به تشریح یافت طبقاتی جامعه اشکانی و وضعیت کشاورزان وابسته و بردگان و وضعیت اشراف و نقش شورای پارتیان و ترتیب جانشینی شاهان و خلع شاهان به دست اشراف، پرداخته و به اعضای طبقه متوسط عهد اشکانی اشاره کرده است.<sup>۷۸</sup>

مطالب فوق در کتاب ویسپوفر بسیار مختصر است.

## « آنچه ویسهوفر در شرح کتیبه بیستون به رشته تحریر درآورده، در مقایسه با کشفیات فراوانی که در مورد این کتیبه با اهمیت صورت گرفته، اندک است.

در فصل یازدهم «ایران‌شهر: امپراتوری، مردم و شیوه زندگی آنان»، ویسهوفر ابتدا متن کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت را که حاوی فهرستی از اسامی و مناصب بزرگان خاندان ساسانی، والیان و درباریان شاپور و نیز فهرستی از سرزمین‌های تحت فرمان شاپور است، نقل کرده و سپس به بررسی وجوه اشتراک و افتراق این فهرست‌ها با فهرست مقامات عالی دوران سلطنت نرسی که در کتیبه او در پایکولی ذکر شده‌اند، پرداخته، پس از آن تقسیمات اداری قلمرو تحت فرمان شاپور یکم را ذکر کرده که عبارت بوده‌اند از قلمروهای شاهی که قلمروهای تحت حکومت پسران شاه یا سایر شاهان محلی بوده، و ایالات که تحت حکومت والیان قرار داشته‌اند. آنگاه به شرح برخی مناصب حکومتی، مذهبی و درباری و اختیارات و وظایف صاحبان این مناصب پرداخته است.

در ادامه، مؤلف به بحث درباره انواع زمین‌ها در دوران ساسانی پرداخته است که عبارت بوده از: زمین‌های متعلق به اشراف که وضع مالیات و سربازگیری در آنها از طریق اشراف انجام می‌شد، و زمین‌های شاهی که شاهان فقط در آنها می‌توانستند شهرسازی کنند.

سپس مؤلف به نقل از طبری، وضعیت مالیات‌ها قبل از انوشیروان و نیز اصلاحات مالیاتی انوشیروان را ذکر کرده و خاطرنشان کرده است که فشار مالیاتی از زمان انوشیروان تشدید شد و در زمان خسرو پرویز به شکایات و اعتراض‌های بی‌پایان انجامید. مؤلف همچنین به انواع مالیات‌ها و درآمدهای دولت شامل خراج، جزیه، مالیات‌های غیرمستقیم، مالیات سرانه، باج، غنایم، مبالغی که در جنگ‌ها به زور اخذ می‌شد و غرامات جنگی اشاره کرده است.

آنگاه نکاتی درباره کشاورزی، اقتصاد روستایی، املاک وسیع اشراف و رعایای پرشمار آنها، مالیات‌های روستایی به عنوان سرچشمه اصلی درآمد شاه، مالیات بر محصولات و مراتع، و محصولات معاف از مالیات ذکر شده است.

کریستن‌سن مطالبی در زمینه مالیات‌ها، مأموران وصول مالیات یا آمار کارها، معافیت‌های مالیاتی، اقلام عایدات دولت، و مصارف دولت ذکر کرده است که عمدتاً در کتاب ویسهوفر وجود ندارد. پس از آن در کتاب ویسهوفر مطالبی درباره اهمیت قاتل شدن ساسانیان به صنعت و به کارگرفتن صنعت‌گران و کارگران مختلف و نیز اسرای جنگی برای امور صنعتی و ساختمانی توسط ساسانیان و تضمین آزادی مذهب برای آنها و وجود اصناف صنعتگران آزاد اشاره شده است.

در ادامه، مؤلف به تجارت در ایران ساسانی پرداخته

مندرجات آنها و مراحل پیشرفت کر تیر را ذکر کرده است. متن کامل کتیبه کر تیر در کعبه زرتشت نیز طی مقاله‌ای نقل شده و نکاتی در مورد شخصیت کر تیر در این مقاله ذکر گردیده است.

آنگاه ویسهوفر به قشر متوسط جامعه ساسانی و صاحبان مشاغل مختلف در این قشر و سپس به بزرگان آزاد و کشاورزان اجاره‌دار و آنگاه به سامان‌بخشی نحوه وصول مالیات توسط انوشیروان و تعدیبات اشراف به اموال ضعیف و دفاع هرمزد چهارم از تهیدستان در مقابل اشراف و سرنگونی او به دست اشراف، اشاره کرده است.

پس از آن ویسهوفر به موقعیت بردگان در عصر ساسانی پرداخته و از نحوه رفتار با بزرگان و اختیارات صاحبان بزرگان نسبت به آنها و همچنین حقوق بزرگان سخن به میان آورده است.

ویسهوفر همچنین به مسائل حقوقی و قضایی عصر ساسانی پرداخته و شرحی در مورد کتاب‌های حقوقی این دوران شامل ماتیگان هزار داستان که به زبان پهلوی است و دو کتاب دیگر، یکی مجموع حقوق و قوانین و دیگری یک کتاب حقوقی دیگر که اصل پهلوی آنها مفقود و ترجمه سریانی آنها در دست است و مطالب آنها ذکر کرده است.

آنگاه چگونگی خانواده در عصر ساسانی مورد بحث قرار گرفته و انواع خانواده در این عصر شامل خانواده هسته‌ای یا کوچک و خانواده گسترده یا دودمان تعریف گردیده است. و در دنباله، انواع ازدواج‌ها در این دوران، مورد بحث قرار گرفته و در خلال آنها به محدودیت‌ها و نیز حقوق زن پس از ازدواج اشاره شده است.

آنگاه به وضعیت قیمومت صغیران، زنان و خانواده‌های بدون سرپرست، براساس قوانین عصر ساسانی، پرداخته شده و سپس نکاتی در مورد مقررات ارث ذکر شده است.

در مورد خانواده، در مقایسه با مطالب اندک کتاب ویسهوفر، کریستن‌سن مفصلاً به تشریح مسائل مختلف در این ارتباط پرداخته، چنان که تعدد زوجات، ازدواج با محارم، مراسم پس از تولد کودک، تربیت کودک، مراسم نامزدی، روابط نامشروع، شرکت زن در مال شوهر، طلاق، ازدواج ابدال، قواعد قیمومت، فرزندخواندگی، مقررات ارث و مسائلی دیگر را مورد بحث قرار داده است.

شاهان ساسانی در مشروعیت بخشیدن به سلطنت خود تشریح شده، چنانکه مؤلف با ذکر کتیبه شاپور یکم در «نقش رجب»، اقدامات این شاه را در نشان دادن اینکه ارتباط نزدیک با ایزدان دارد و آتش‌ها برقرار می‌کند و مراکزی برای پرستش خدایان بنیاد می‌گذارد و مروج مذهب زرتشت است، مطرح می‌کند.

ویسهوفر آنگاه به مسئله «فره ایزدی» یا «فرکیانی» که عبارت از حق انحصاری سلطنت برای ساسانیان بوده، پرداخته و ابتدا نیم‌تنه مورد مشاهده بر روی سکه‌های ساسانی را به عنوان نماد فره مطرح کرده و سپس با نقل گوشه‌ای از داستان کارنامه اردشیر بابکان، به قوچی که نماد فرکیانی است اشاره کرده که چون به اردشیر می‌رسد، سبب مشروعیت فرمانروایی او می‌شود.

سپس مؤلف به این مسئله پرداخته که شاهان ساسانی برای مشروعیت دادن به سلطنتشان، خویشتن را به نیاکان خود یعنی اردشیر یکم و رؤسای اولیه دودمان ساسانی و همچنین به شاهان کیانی منتسب می‌کردند.

ویسهوفر در دنباله به روش‌های حکومتی ساسانیان که از اشکانیان اتخاذ کرده بودند و تداوم همان سازمان اداری اشکانی توسط ساسانیان اشاره کرده و سیاست‌های جدید ساسانیان را ذکر کرده است.

ویسهوفر همچنین به شورای سلطنت که به تعیین جانشین شاه می‌پرداخت اشاره کرده و تصویری از ساختار و عملکرد آن به دست داده و توصیفی را از شکل و عملکرد این شورا به نقل از نامه تنسر نقل کرده است.

پس از آن مؤلف به طبقات اجتماعی عصر ساسانی پرداخته و متذکر شده که لایه‌های مختلف طبقه اشراف با شاه از طریق وظایف متقابل، وابستگی دو سویه و منافع مشترک، پیوند داشتند.

آنگاه مؤلف ارزش و احترامی را که زنان خاندان ساسانی برخوردار بودند و نیز امتیازات آنها را ذکر کرده است، چنان که خاطره آنان پس از مرگ با روشن کردن آتش و تقدیم قربانی گرمی داشته می‌شد، برخی از آنان القاب و عناوین ممتازی داشتند، تصویر آنان در نقش برجسته‌ها و سکه‌ها و مهرها پدیدار است، و دو تن از آنان به سلطنت رسیدند. سپس مؤلف با نقل گوشه‌ای از کتیبه کر تیر در نقش رجب اختیارات و مراحل ترقی او را که نیرومندترین مقام مذهبی کشور گردید، ذکر کرده است.

لوکونین کتیبه‌های کر تیر را در کعبه زرتشت، نقش رستم و سرمشهد را مورد بحث قرار داده و بخشی از



آیین وی، مطالب جامع و مفصلی را در زمینه‌های مختلف مربوط به مانی و مانویت، می‌توان در منابع دیگر یافت. چنانکه نیولی در مقاله‌ای، وقایع زندگی مانی و مراحل دعوت او را ذکر کرده و در مقاله‌ای دیگر، اساطیر مانوی، تکالیف مانویان، و میراث آیین مانوی را شرح داده است.<sup>۱۲۳</sup> دیویس در مقاله‌ای، تأثیرپذیری مانویت از مسیحیت و آیین‌های گنوسی را مورد بررسی قرار داده است.<sup>۱۲۴</sup> هنینگ در مقاله‌ای، به شرح مطالبی درباره‌ی اواخر زندگی مانی پرداخته است،<sup>۱۲۵</sup> و کریستن سن مطالب مفصلی را درباره‌ی رخدادهای زندگی مانی، اساطیر مانوی، طبقات جامعه‌ی مانوی و تکالیف دینی آنان، کتاب‌های مانوی، مانویت پس از مانی و هنر مانویان، ذکر کرده است.<sup>۱۲۶</sup>

موضوع مورد بحث بعدی ویسهوفر، آیین مزدکی مورد بحث قرار گرفته است به این ترتیب که ابتدا مطالبی از کتاب دینکرد درباره‌ی مزدکیان و آداب و عقاید آنان نقل شده و سپس مؤلف به بررسی مطالب مذکور برای تبیین اصول آیین مزدکی پرداخته و مطالبی را از کتاب دینکرد درباره‌ی اعمال مزدکیان ذکر کرده، که این اعمال مورد سرزنش زرتشتیان بوده است. مؤلف همچنین به اقدام مزدکیان در شکستن انبارهای غله‌ی اشراف و تاراج آنها و ربودن زنان اشراف اشاره کرده و باقی ماندن آیین مزدکی هم در دوره ساسانی و هم در اوایل دوره اسلامی را خاطر نشان کرده است.<sup>۱۲۷</sup>

پس از آن مؤلف به موقعیت دین زرتشتی در دوران ساسانی پرداخته و به سرکوب پیروان ادیان دیگر توسط ساسانیان اشاره کرده و نکاتی را به نقل از کتب بعد از اسلام درباره‌ی تقارن دین و سیاست در دیدگاه شاهان ساسانی مطرح کرده و محدودیت نقش روحانیان زرتشتی در زمان بعضی شاهان ساسانی و افزایش قدرت روحانیان در زمان شاهانی دیگر و علل راستین این افزایش قدرت که وجود عوامل ویژه‌ی سیاست داخلی و خارجی حاکم در زمان‌های مختلف بوده است، را ذکر کرده است.<sup>۱۲۸</sup>

همچنین در کتاب ویسهوفر، مطالبی درباره‌ی یهودیان در ایران ساسانی ذکر شده است.<sup>۱۲۹</sup> آنگاه امور فرهنگی دوران ساسانی مورد بحث قرار گرفته و از آن جمله به فرمان انوشیروان به ترجمه آثار فلسفی یونان به زبان پهلوی و مطالعه این آثار توسط انوشیروان، فرمان او به تحقیق در قواعد روم و هندوستان به منظور

و به نقش بازرگانان ایرانی در خرید و فروش کالاها میان ایران و روم، مراکز مبادله کالا میان ایران و روم براساس معاهدات، تسلط ایرانیان بر راه‌های تجاری چین، هند، ایران شرقی و ارمنستان و در نتیجه وابستگی رومیان به تجارت ایران، توافقی‌های تجاری میان ایران و بیزانس، روابط تجاری ایران با هند، حملات ایران به اعراب و تسلط ایران بر سواحل عربستان به منظور تأمین فعالیت بازرگانی در خلیج فارس و محدود شدن بازرگانی بیزانس در دریای سرخ به دلیل سلطه ایران بر جنوب عربستان و خلیج عدن، اشاره کرده است.<sup>۱۳۰</sup> کریستن سن مطالبی در زمینه تجارت در ایران ساسانی ذکر کرده که عمدتاً در کتاب ویسهوفر موجود نیست. از آن جمله به راه‌های تجاری در خشکی، تجارت دریایی، نقش عبورگاهی تجاری ایران، و برخی صادرات ایران، اشاره کرده است.<sup>۱۳۱</sup>

پس از آن مؤلف به مبحث ادیان موجود در ایران ساسانی پرداخته و ابتدا با نقل گوشه‌ای از کتیبه کر تیر در کعبه زرتشت به سرکوب پیروان ادیان غیرزرتشتی در زمان بهرام دوم اشاره کرده، سپس چگونگی رواج آیین زرتشتی در عصر ساسانی را شرح داده و تبدیل این آیین به دینی سخت و انعطاف‌ناپذیر و متحجر و عاری از نیروی متقاعدکننده در هنگام هجوم مسلمانان اشاره کرده است.<sup>۱۳۲</sup>

از دیگر موارد مورد بحث کتاب مسیحیت و چگونگی رواج آن در ایران عصر ساسانی و علل تجمع مسیحیان در ایران است و بعد به مسئله آزار مسیحیان از سوی دولت ساسانی به دلیل همدلی آنها با روم مسیحی پرداخته. آنگاه سازمان کلیسای مسیحیان ایران را مورد بحث قرار داده است.<sup>۱۳۳</sup>

همچنین در کتاب ویسهوفر مطالبی درباره‌ی مانی و آیین او ذکر شده است. زندگی مانی، دعوت آیین مانی توسط وی در هند و بین‌النهرین، راه یابی او به دربار شاپور یکم و علاقه‌مندی شاپور به آیین او، تبلیغ مانویت در مصر و پالمیرا، قتل مانی و سپس قتل سی‌سین جانشین او، فرار مانویان به سرزمین‌های دیگر، مدارای موقت با مانویان در زمان سلطنت نرسی، از سرگیری آزار مانویان در زمان سلطنت هرمزد دوم و شاپور دوم، ترویج مانویت در شرق و رسمی شدن آیین مانوی در حکومت اویغورها (از ۷۶۲ تا ۸۴۰ م)، توصیفی از آموزه‌های مانی، تلفیق ادیان مسیحی، زرتشتی و بودایی توسط مانی برای ایجاد دینی جانشین، تقلید سلسله مراتب مانوی از سلسله مراتب مسیحی، و تکالیف دو گروه برگزیدگان و نیوشندگان در جامعه مانوی، از مباحث مطرح شده در این فصل است.<sup>۱۳۴</sup>

در مقابل مطالب اندک کتاب ویسهوفر، درباره‌ی مانی و

تهیه یک کتاب قوانین،<sup>۱۳۵</sup> پذیرایی انوشیروان از فیلسوفان نوافلاطونی یونانی که از وطن آواره شده بودند، مباحثات علمی در دربار انوشیروان، فرمان او به ترجمه اشعار هندی «پنجه تنتره» به پهلوی،<sup>۱۳۶</sup> فرمان او به اصلاح مواد قانونی، همایش علمی پزشکان چندی شاپور در زمان انوشیروان، رواج پزشکی در خوزستان و فارس توسط افرادی که در لشکرکشی‌های شاپور یکم به ایران انتقال داده می‌شدند، اهمیت پزشکان مسیحی در ایران ساسانی،<sup>۱۳۷</sup> ثبت مکتوب اوستا از طریق ابداع خطی ویژه، آغاز تدوین تاریخ ملی ایران در قرن پنجم میلادی و تدوین اندرزنامه و خداینامه در زمان انوشیروان، تألیف کارنامه اردشیر بابکان در اواخر عصر ساسانی، پدیدار شدن چوگان، شطرنج و تخته نرد در این زمان، گوشه‌ای از متن پهلوی خسرو و ریدگ که شرحی است درباره‌ی بهترین لذات، اشاره نموده است.<sup>۱۳۸</sup>

در قسمت نتیجه‌گیری «بقای ایران باستان و کشف دوباره آن»، مؤلف به نکاتی چون تدوین خداینامه که حاوی داستان‌هایی افسانه‌ای همراه با مطالب تاریخی آمیخته با آرمان‌های دینی، اخلاقی و ادبی بود، ترجمه کتاب‌های پهلوی به عربی در دوره اسلامی، مورخین ایرانی عربی‌نویس اوایل دوران اسلامی و نگارش تاریخ ایران باستان توسط آنان، فردوسی و شاهنامه و سهم آن در وحدت فرهنگی ایران و آسیای میانه و مندرجات و شهرت جهانی شاهنامه، اطلاع اروپاییان قرون وسطی از ایران باستان تنها در حد مسرحات کتاب مقدس و چگونگی این مندرجات و نقص اطلاعات تاریخی در کتاب مقدس، اروپاییانی که از قرن چهاردهم تا قرن هجدهم میلادی از تخت جمشید دیدار کردند، و برخی کاوش‌های باستان‌شناسان خارجی در ایران، اشاره کرده است.

پس از آن، مؤلف کوشش‌های دانشمندان مختلف را در قرون هفدهم تا نوزدهم میلادی در جهت معرفی و شناخت خط میخی مطرح کرده و سپس مراحل کشف رمز این خط را با ذکر تلاش‌های گروفتند آلمانی و راولینسون انگلیسی و دانشمندان دیگر چون لاسن نروژی، بورنوف فرانسوی و هینکس ایرلندی، تشریح کرده است.<sup>۱۳۹</sup>

در زمینه کشف رمز خط میخی می‌توان همچنین به کتاب واگنر مراجعه کرد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ویسهوفر، یوزف: ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)، ترجمه مرتضی نایب‌فر، تهران، ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش. صص ۲۳ - ۲۹
- ۲- داندامایف، م.ا: ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران،

- چاپ دوم، ۱۳۷۳، ص ۶۹
- ۳- همان، ص ۷۱.
- ۴- همان، ص ۱۱۵.
- ۵- ویسپوفور، پیشین، ص ۲۲.
- ۶- قائم مقامی، جهانگیر: «سنگ‌نبشته‌های هخامنشی در ترعه نیل»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال ششم، شماره ۳۳، تهران، مهر ۱۳۵۰، صص ۳۶۱-۳۸۶.
- 7- Quirke, S., Who were The Pharaohs?, British Museum Publications, London, 1990, P. 72.
- 8- 47.P, dibi.
- ۹- ویسپوفور، پیشین، صص ۲۶-۲۷.
- ۱۰- همان، ص ۲۹.
- ۱۱- کریستن سن، آرتور: مزدآپرستی در ایران قدیم، ترجمه ذبیح‌الله صفا، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۷.
- ۱۲- ویسپوفور، صص ۲۹-۳۸.
- ۱۳- همان، ص ۳۰.
- ۱۴- همان، ص ۳۴.
- ۱۵- فرای، ریچارد. ن: میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۶۸.
- ۱۶- داندامایف، ۱۳۷۳، صص ۱۵-۱۳۲.
- ۱۷- پیرنیا، حسن: ایران باستان، ج ۱، تهران، دنیای کتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۶، صص ۵۳۲-۵۳۴.
- 18- Kent, R.G., Old Persian, American Oriental Society, New Haven, Connecticut, Reprinted 1961, PP. 116-134.
- ۱۹- ویسپوفور، صص ۲۸-۴۳.
- ۲۰- همان، صص ۴۳-۴۵.
- ۲۱- همان، صص ۴۴-۴۶.
- ۲۲- همان، ص ۴۸.
- ۲۳- همان، صص ۴۸-۴۹.
- ۲۴- همان، ص ۵۱.
- ۲۵- همان، ص ۵۲.
- ۲۶- همان، صص ۵۲-۵۳.
- ۲۷- همان، صص ۵۲-۶۱.
- ۲۸- همان، صص ۶۳-۶۵.
- ۲۹- همان، ص ۶۸.
- ۳۰- همان، صص ۶۹-۷۱.
- ۳۱- همان، صص ۶۱-۷۶.
- ۳۲- همان، صص ۷۸-۸۱.
- ۳۳- همان، صص ۸۱-۸۴.
- ۳۴- پیرنیا، پیشین، ج ۲، صص ۱۴۶۷-۱۴۷۰.
- 35- Kent, P. 119.
- ۳۶- ویسپوفور، صص ۸۴-۸۷.
- ۳۷- پیرنیا، پیشین، ج ۲، صص ۱۴۷۰-۱۴۷۸.
- ۳۸- داندامایف، م: تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان، ترجمه میرکمال نبی‌پور، تهران، نشر گستره، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۶.
- ۳۹- ویسپوفور، صص ۸۹-۱۱۳.
- ۴۰- همان، صص ۹۹-۱۰۰.
- ۴۱- همان، صص ۱۱۲-۱۱۳.
- ۴۲- داندامایف، ۱۳۶۶، صص ۲۹-۳۵.
- ۴۳- همان، صص ۱۰۲-۱۰۸.
- ۴۴- همان، صص ۱۰۸-۱۰۹.
- ۴۵- همان، صص ۱۲۷-۱۳.
- ۴۶- پیرنیا، ج ۲، صص ۱۵۱۵-۱۵۳۱.
- ۴۷- ویسپوفور، صص ۱۳۹-۱۴۰.
- ۴۸- همان، صص ۱۴۱-۱۴۲.
- ۴۹- همان، صص ۱۴۲-۱۴۹.
- ۵۰- همان، صص ۱۴۳-۱۴۴.
- ۵۱- فرای، پیشین، صص ۲۲۳-۲۵۶.
- ۵۲- دیاکونف، م.م: اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۱.
- 53- Rostovtzeff, M.J., The Social and Economic History of the Hellenistic world, I, Oxford, 1941.
- ۵۴- ویسپوفور، صص ۱۵۲-۱۵۹.
- ۵۵- همان، صص ۱۵۶-۱۵۷.
- ۵۶- همان، ص ۱۵۵.
- ۵۷- همان، صص ۱۵۷-۱۵۸.
- ۵۸- همان، صص ۱۵۸-۱۵۹.
- ۵۹- همان، صص ۱۶۰-۱۶۱.
- ۶۰- همان، صص ۱۶۱-۱۶۲.
- ۶۱- همان، ص ۱۶۴.
- ۶۲- همان، صص ۱۶۷-۱۶۸.
- ۶۳- همان، صص ۱۶۹-۱۷۰.
- ۶۴- همان، صص ۱۷۱-۱۷۲.
- ۶۵- همان، صص ۱۷۲-۱۷۳.
- ۶۶- بویس، مری: «گوسان پارتی و سنت نوازندگی در ایران»، ترجمه مسعود رجب‌نیا، کتاب توس، شماره ۲، صص ۲۷-۶۴.
- ۶۷- ویسپوفور، صص ۱۷۳-۱۷۴.
- ۶۸- دیاکونف، پیشین، صص ۴۱-۴۳.
- ۶۹- ویسپوفور، صص ۱۷۵-۱۷۶.
- ۷۰- همان، صص ۱۷۶-۱۷۹.
- ۷۱- همان، ص ۱۷۹.
- ۷۲- دیاکونف، پیشین، ص ۶۱.
- ۷۳- همان، صص ۶۸-۷۰.
- ۷۴- پیرنیا، پیشین، ج ۳، صص ۲۶۸۴-۲۶۸۷.
- ۷۵- ویسپوفور، صص ۱۷۹-۱۸۱.
- ۷۶- پیگولوسکایا، ن: شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲، صص ۱۳۴-۱۴۶.
- 77- Cumont, F., Vne lettre du roi Artabanus III, dans comptes - rendus de l' Academie des inscriptions et belles letters, Paris, 1932, PP. 238-256.
- 78- Welles, C.B., Royal Correspondance in the Hellenistic Period, New Haven, 1934, PP. 299-300.
- ۷۹- ویسپوفور، صص ۱۸۳-۱۸۴.
- ۸۰- همان، صص ۱۸۵-۱۸۷.
- ۸۱- همان، صص ۱۸۸-۱۸۹.
- ۸۲- دیاکونف، پیشین، صص ۱۱۸-۱۲۰.
- ۸۳- همان، صص ۱۹۴-۱۹۵.
- ۸۴- همان، صص ۱۹۶-۱۹۷.
- ۸۵- همان، صص ۱۹۸-۱۹۹.
- ۸۶- همان، ص ۲۰۰.
- ۸۷- همان، صص ۲۰۰-۲۰۲.
- ۸۸- همان، صص ۲۰۲-۲۰۳.
- ۸۹- همان، صص ۲۰۷-۲۰۸.
- ۹۰- همان، صص ۲۰۹-۲۱۰.
- ۹۱- همان، صص ۲۰۹-۲۱۰.
- ۹۲- همان، ص ۲۱۱.
- ۹۳- همان، صص ۲۱۲-۲۱۳.
- ۹۴- همان، صص ۲۱۳-۲۱۴.
- ۹۵- همان، صص ۲۱۶-۲۱۷.
- ۹۶- همان، صص ۲۱۷-۲۱۸.
- ۹۷- لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ: تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲، صص ۱۳۷-۱۴۸.
- ۹۸- رجبی، پرویز: «کریتر و سنگ‌نبشته او در کعبه زردشت»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال ششم، شماره ۳۳، تهران، مهر ۱۳۵۰، صص ۱-۶۸.
- ۹۹- همان، ص ۲۱۹.
- ۱۰۰- همان، صص ۲۱۹-۲۲۰.
- ۱۰۱- همان، صص ۲۲۰-۲۲۱.
- ۱۰۲- همان، ص ۲۲۲.
- ۱۰۳- همان، ص ۲۲۳.
- ۱۰۴- همان، صص ۲۲۴-۲۲۵.
- ۱۰۵- همان، صص ۲۲۵-۲۲۶.
- ۱۰۶- کریستن سن، آرتور: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، چاپ ششم، ۱۳۶۸، صص ۴۳۲-۴۴۸.
- ۱۰۷- ویسپوفور، صص ۲۲۷-۲۲۹.
- ۱۰۸- همان، صص ۲۲۸-۲۳۰.
- ۱۰۹- همان، صص ۲۳۰-۲۳۳.
- ۱۱۰- همان، صص ۲۳۳-۲۳۴.
- ۱۱۱- همان، صص ۲۳۴-۲۳۵.
- ۱۱۲- همان، ص ۲۳۶.
- ۱۱۳- کریستن سن، پیشین، ۱۳۶۸، صص ۱۸۳-۱۸۷.
- ۱۱۴- ویسپوفور، صص ۲۳۷-۲۳۸.
- ۱۱۵- همان، صص ۲۳۹-۲۴۲.
- ۱۱۶- کریستن سن، پیشین، ۱۳۶۸، صص ۱۸۹-۱۹۱.
- ۱۱۷- همان، صص ۲۴۴-۲۴۶.
- ۱۱۸- همان، صص ۲۴۶-۲۴۷.
- ۱۱۹- همان، صص ۲۴۷-۲۴۹.
- ۱۲۰- همان، صص ۲۴۹-۲۵۰.
- ۱۲۱- همان، صص ۲۵۱-۲۵۴.
- ۱۲۲- نیولی، گرادو: «مانی»، آیین گنوسی و مانوی، ویراسته میرچا الیاده، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۳، صص ۱۰۵-۱۱۷.
- ۱۲۳- همو، «آیین مانوی»، همان کتاب، صص ۱۱۹-۱۵۹.
- ۱۲۴- دیویس، جی.گ، «آیین مانوی و مسیحی»، همان کتاب، صص ۱۶۱-۱۶۹.
- ۱۲۵- هنینگ، وب، «آخرین سفرمانی» همان کتاب، صص ۲۱۵-۲۳۰.
- ۱۲۶- کریستن سن، ۱۳۶۸، صص ۲۶۰-۲۹۳.
- ۱۲۷- همان، صص ۲۵۴-۲۵۶.
- ۱۲۸- همان، ص ۲۵۶.
- ۱۲۹- همان، ص ۲۵۷.
- ۱۳۰- همان، ص ۲۵۹.
- ۱۳۱- همان، صص ۲۶۱-۲۶۳.
- ۱۳۲- همان، ص ۲۶۳.
- ۱۳۳- همان، صص ۲۶۳-۲۶۴.
- ۱۳۴- همان، ص ۲۶۶.
- ۱۳۵- همان، صص ۲۶۶-۲۶۷.
- ۱۳۶- همان، صص ۲۷۸-۲۷۹.
- ۱۳۷- همان، ص ۲۷۹.
- ۱۳۸- همان، صص ۲۸۱-۲۸۳.
- ۱۳۹- همان، صص ۲۸۳-۲۸۵.
- ۱۴۰- همان، ص ۲۸۶.
- ۱۴۱- همان، صص ۲۸۷-۲۹۰.
- ۱۴۲- همان، صص ۲۹۰-۲۹۸.
- 143- Walker, C.B.F., Cuniform, British Museum Publications, Second impression, London, 1989, PP. 48-52